



بررسی فقهی ضرورت تربیت دینی (عبادی، اعتقادی) فرزندان

مطهره فاضلی*

چکیده

از نظر قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، پدر و مادر در سرنوشت فرزندان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند؛ به عبارت دیگر پدر و مادر آگاه، در «سعادت» و پدر و مادر بی‌توجه در «شقاوت» فرزند خویش دخالت دارند. لذا دین اسلام تربیت دینی فرزندان را بر والدین امری ضروری قرار داده، و از آنجایی که ساختار دین اسلام شامل اعتقادات، احکام و اخلاقیات می‌باشد، تربیت دینی هم تمام این ساحات را در بر می‌گیرد. اما مسئله‌ای که مطرح است این است که آیا این ضرورت به حدی است که اگر والدین در انجام آن کوتاهی کنند و آن را ترک کنند، امری واجب را ترک کرده‌اند؟ و اینکه محدوده وظیفه والدین در ادای این وظیفه تا چه حد است؟ از آنجایی که در تربیت دینی ساحت اعتقادات و احکام (عبادات)، نقش بسیار بزرگی دارند هدف از این تحقیق بررسی آیات و روایاتی است که دلالت بر ضرورت و وجوب این دو امر مهم می‌کند، لذا در این تحقیق سعی شده با شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی، تحلیلی به بررسی فقهی ضرورت تربیت دینی فرزندان بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، والدین، ضرورت، فرزندان، ساختار.

* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه اسلامی (گرایش کلام) جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه خراسان

هدف از خلقت انسان‌ها عبودیت و بندگی است و این هدف هیچ گاه محقق نمی‌شود، مگر اینکه انسان صالح و با ایمان باشد و نسبت به امور دینی و معنوی خود آگاهی کامل داشته باشد، لذا این انسان صالح باید در مسیر فلاح و ایمان پرورش یابد. از آنجایی که کودکان دارای فطرت خداجو و پاک بوده و درستکار متولد می‌شوند، اگر در محیطی رشد یابند که رفتارها، روابط و تعاملات توحیدی باشد، زمینه و بستره زندگی توحیدی و عبودیت برای او فراهم می‌شود. لذا دین اسلام تأکید فراوانی بر تربیت دینی کودکان دارد و از آنجایی که ساختار دین اسلام شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام می‌شود تربیت دینی تمام این ساحات را در بر می‌گیرد و والدین موظف هستند در تمام این ساحات نسبت به تربیت فرزند خود اهتمام ورزند.

در این تحقیق سعی شده است با بررسی اهم آیات و روایاتی که دلالت بر لزوم تربیت دینی می‌کند، ضرورت و لزوم این امر مهم در تمام ساحات آن مشخص شود.

برخی بر این باورند که تربیت دینی فرزندان امری مستحب است؛ بدین معنا که بر والدین مستحب است فرزندان خود را به امور عبادی وادارند، اما درباره نهی از محرّمات، به وجوب نهی آنان از انجام آن امور فتوا داده‌اند. به این معنا که اگر پدر یا مادری در تربیت دینی فرزندان خود کوتاهی کرد واجبی را ترک نکرده و در نتیجه گناهی مرتکب نشده است، هرچند از نظر شرع و عرف امر نیکویی را ترک کرده است، اما با این وجود با توجه به ظاهر آیات و روایات این احتمال نیز وجود دارد که این مسئولیت امری الزامی باشد نه رجحانی و استحبایی. در این مقاله سعی شده ادله‌ای که ظهور در وجوب دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

از نظر قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام پدر و مادر درس‌نویشت فرزندان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر پدر و مادر آگاه در سعادت و پدر و مادر بی‌توجه در شقاوت فرزند خویش دخالت دارند. این تأثیر به اندازه‌ای است که این روایت مشهور در همین زمینه



از پیامبر اکرم ﷺ رسیده است: «السعيد من سعد في بطن امه و الشقي من شقي في بطن امه؛ دل مادر زمینه‌ساز برای سعادت و یا شقاوت بچه است یعنی پدر و مادر زمینه‌ساز سعادت و یا شقاوت بچه هستند». (مظاهری، ۱۳۹۵: ۲-۳)

همچنین از ایشان نقل شده است که وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدر و مادرانشان. (الشعیری، بی تا: ۱۰۶)

بر اساس آنچه گفته شد پرسش اصلی پژوهش این است که آیا می‌توان از میان آیات و روایات بسیاری که در زمینه تربیت فرزند آمده است حکم ضرورت و وجوب تربیت دینی فرزند را از آن‌ها استخراج کرد؟

پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱. گستره تربیت دینی فرزند چه مواردی را شامل می‌شود؟
 ۲. ادله وجوب تربیت اعتقادی فرزند چیست؟
 ۳. ادله وجوب تربیت عبادی فرزند چیست؟
 ۴. چگونه مسئولیت والدین در تربیت دینی فرزند ادا می‌شود؟
 ۵. مسئولیت والدین در این مورد از چه زمانی آغاز و تا چه زمانی پایان می‌یابد؟
- فرضیه پژوهش نیز عبارت است از اینکه با نگاه به سیره تربیتی انبیا و ائمه هدی و تأکید های فراوان در آیات و روایات به موضوع مهم تربیت دینی فرزندان، و ظهور این ادله در وجوب، درمی‌یابیم که این امر نه یک امر استحبابی، بلکه یک امر واجب است یا اینکه حداقل امری با استحباب بسیار مؤکد و نزدیک به وجوب است.

جستجوی در پیشینه تحقیق نشان می‌دهد تا کنون تحقیق‌های بسیاری در زمینه تربیت دینی فرزند انجام شده است که در اینجا فقط به برخی از این تحقیق‌ها اشاره می‌شود:

- «نکته‌های قابل توجه در تربیت دینی»، تألیف مریم جعفری دهکردی؛

- «روش‌های تربیت دینی»، تألیف عبدالرحیم موگهی؛



- «بایسته‌های تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و روایات از قبل از تولد تا هفت سالگی»، تألیف ابوالفضل عساری؛

- «نقطه آغاز تعلیم و تربیت دینی»، حمید طالب‌زاده و... .

در این تحقیق سعی شده به بررسی مبانی فقهی ضرورت تربیت دینی فرزند بپردازد، و این ضرورت در حصره‌های تربیت دینی کودک (عبادی، اعتقادی)، تبیین شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تربیت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «ربی-یربو» به معنای رشد بوده و در کتب لغت به معنای رشد دادن و پروراندن استعمال شده است. (ابن منظور ۱۴۴۰: ۱۱۴)

در لغت نامه دهخدا واژه تربیت به معنای پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است، واژه ترکیبی آن تعلیم و تربیت نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۷: ۲۹۵)

و در اصطلاح، فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه موجود در درون او است. (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۷)

بنابراین تربیت شامل مجموعه روش‌ها و راهکارهایی است که از آغاز زندگانی انسان، به کار گرفته شده تا او در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزش‌ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد. همان گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينِ الْجَنَّةِ؛ فرزند صالح گلی است از بوستان بهشت». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹۷/۱۵)

۱.۲. دین

دین عبارت است از شریعت مقدّس؛ اعم از اصول و فروع که پیامبران الهی آن را از طریق وحی دریافت و به بندگان خدا ابلاغ کرده‌اند. (موسسه دائرة المعارف فقه فارسی، ۱۴۲۶: ۳/ ۶۸۵)

۱.۳. تربیت دینی

با توجه به تعاریف دین و تربیت، «تربیت دینی» را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تربیت دینی» عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند... (داوودی، ۱۳۸۶: ۳/ ۲۶)

۲. گستره تربیت دینی

برای تعیین گستره تربیت دینی ابتدا باید ساختار دین اسلام مشخص شود:

معارف اسلام (گزاره‌های معتبر اسلام) عمدتاً در سه مقوله کلی قرار می‌گیرند، که شامل اعتقادات، اخلاقیات و عبادات می‌شود. (مطهری، بی‌تا: ۵۴)

۲.۱. اعتقادات

اعتقادات گزاره‌هایی هستند که وضعیت انسان را در جهان مشخص می‌کنند و هر مسلمانی باید نسبت به آن گزاره‌ها شناخت و اعتقاد کافی داشته باشد. اینکه آیا جهان را آفریدگاری هست؟ آفریدگار جهان کیست؟ آیا آفرینش انسان عبث بوده یا آفریدگارش از آفرینش او هدفی را تعقیب می‌کرده است؟ سرانجام انسان چیست؟ آیا وظیفه‌ای دارد یا نه؟ (داوودی، ۱۳۸۶: ۳/ ۲۷)





در بین اعتقادات اسلامی پنج اصل وجود دارد:

۱. توحید؛ اعتقاد قطعی به وحدانیت و یکتایی خداوند در ذات و صفات و افعال خویش و عمل کردن بر اساس این اعتقاد. (سعیدی مهر، ۱۳۹۲: ۶۸/۱)
 ۲. عدل؛ به معانی مختلفی از جمله رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض و مراعات حقوق دیگران به کار می‌رود. اما جامع‌ترین معنای عدل عبارت است از نهادن افراد و اشیا در جایگاه شایسته خود. مبنای این تعریف آن است که در جهان تکوین و تشریح، هر چیز جایگاهی مناسب با خود دارد و عدالت آن است که این تناسب رعایت گردد. (سعیدی مهر، ۱۳۹۲: ۳۲۵/۱) بنا بر این معنای اجمالی عدالت الهی آن است که خداوند با هر موجودی چنان که شایسته آن است رفتار می‌کند و آن را در موضعی که در خور آن است، می‌نشانند و چیزی را که مستحق آن است، به او عطا می‌کند.
 ۳. نبوت؛ یعنی اعتقاد به پیامبری حضرت محمد ﷺ و اینکه او از جانب خداوند مبعوث شده تا دستورها و هدایت‌های الهی را در قالب دین اسلام- که کاملترین و آخرین دین الهی است- در اختیار انسان‌ها قرار دهد. (داوودی، ۱۳۸۶: ۲۸/۲)
 ۴. امامت؛ در دیدگاه شیعه، منصب الهی جانشینی پیامبر ﷺ در راهبری دینی و دنیوی امت اسلامی است و امام انسانی معصوم و برخوردار از علوم خدادادی است که از سوی خدا و پیامبرش به این مقام برگزیده و به مردم معرفی می‌شود تا پس از پیامبر (ص) عهده‌دار تداوم وظایف او (به جز مسئولیت دریافت و ابلاغ وحی) گردد. (سعیدی مهر، ۱۳۹۲: ۱/۲)
- (۱۴۱)
۵. معاد؛ یعنی اعتقاد به اینکه انسان، با مرگ از میان نمی‌رود، بلکه بعد از مرگ هم از نوعی حیات برخوردار است. همه انسان‌ها در روز رستاخیز برانگیخته می‌شوند و در محضر خداوند، کارنامه آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نیکوکاران، پاداش و بدکاران کیفر داده می‌شوند. (داوودی، ۱۳۸۶: ۲۸/۲)

۲.۲. اخلاقیات

مجموعه گزاره‌هایی که نحوه تعامل یک فرد مسلمان با دیگران را در زندگی مشخص می‌کند، اخلاقیات اسلامی را تشکیل می‌دهد. صفاتی مانند صداقت، پشتکار، اخلاص، خیرخواهی و... معیارهایی هستند که یک فرد مسلمان باید آن‌ها را در رابطه با دیگران رعایت کند. اخلاقیات گاه به دسته‌های کوچک‌تری مانند اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار تقسیم می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱/۷۶)

۳.۲. عبادات

بخشی از معارف اسلامی احکام است که در قالب واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام، یا صحیح و باطل بیان می‌شود. به عنوان مثال، بر هر مسلمانی واجب است که در شبانه‌روز پنج نماز بخواند؛ دفاع از کشور اسلامی بر هر مسلمانی واجب است. این گزاره‌ها بخشی از احکام هستند، زیرا در آن‌ها حکم (واجب، حرام و...) به کار رفته است. (فرهنگ فقه، ۱۴۲۶: ۳/۳۵۶)

احکام شرعی در اصطلاح فقهی قانون‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نظر دین را در مورد هر کدام از رفتارهای انسان بیان می‌کنند. (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳/۳۵۰)

۳.۲.۱. دسته‌بندی احکام

حکم تکلیفی به صورت مستقیم به فعل مکلف تعلق می‌گیرد و وظیفه او را در ابعاد مختلف زندگی، اعم از شخصی، عبادی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی مشخص می‌سازد، مانند حرمت نوشیدن شراب.

هر حکم شرعی که تکلیفی مربوط به افعال مستقیم انسان نباشد، حکم وضعی نامیده می‌شود، مانند نجس بودن خون و باطل بودن نماز بدون وضو. (صدر، ۱۴۱۸: ۱/۶۲)





بنابراین، باتوجه به گزاره های مهم دین اسلام که در سه مقوله کلی اعتقادات، اخلاقیات و عبادات قرار می گیرند، ساحت و گستره تربیت دینی هم شامل ساحات تربیت اعتقادی، تربیت عبادی و تربیت اخلاقی می شود؛ اکنون به بررسی مبانی فقهی ضرورت و لزوم هر یک از حصه های تربیت دینی (عبادی، اعتقادی، اخلاقی) پرداخته می شود.

۳. مبانی فقهی ضرورت تربیت عبادی

۳.۱. ۱. ادله قرآنی

۳.۱. ۱. آیه وقایه

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره». (تحریم: ۶)
ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها هستند، نگه دارید».

معنای وقایه عبارت است از: «الوقایه حفظ الشیء مما یؤذیه و یضره». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۸۸۱)؛ یعنی حفظ و صیانت شیء از آنچه به اوذیت و ضرر می رساند. از معنا چنین برمی آید که وقایه به مانند سپری شخص را از خطر و آسیب حفظ می کند.

ظهور صیغه امر دلالت بر وجوب و الزام تکلیف دارد که همان سعی در محفوظ ماندن از عذاب الهی است. خداوند در این آیه، روی سخن را به همه مؤمنان کرده و دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵/ ۲۲۶)

نحوه استدلال:

دستور صریح آیه، حفظ اهل خویش از جمله فرزندان از وقوع در آتش است. حفظ از آتش از طریق حفظ فرزندان از ابتلا به معاصی و گناهان حاصل می شود این امر



نیز منوط به این است که واجبات را انجام داده و از محرمات بپرهیزند. بنابراین، بر اساس آیه «وقایه» والدین وظیفه دارند فرزندان خویش را از انجام محرمات و ترک واجبات باز دارند. برای امثال این امر لازم است فرزندان، واجبات و محرمات را بشناسند، بنابراین یکی از اقداماتی که والدین به منظور حفظ فرزندان از عذاب الهی باید انجام دهند، این است که فریضه های واجب (نماز، روزه) را به آنان آموزش دهند. در نتیجه بر اساس این آیه، به نظر می‌رسد والدین وظیفه دارند جهت دوری فرزندان خویش از آتش جهنم، عبادات و مناسک عبادی را به آنان آموزش دهند.

۳. ۱. ۲. آیه مضاره

خداوند متعال در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: « لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک...» (بقره: ۲۳۳)

هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست؛ نه مادر به خاطر اختلاف با پدر حق ضرر زدن به کودک را دارند و نه پدر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد.

بر اساس آیه، ضرر زدن زوجین به یکدیگر و نیز ضرر زدن به فرزند حرام است. ضرر می‌تواند در ابعاد مختلف جسمی روی عاطفی و مادی معنوی دنیوی و اخروی باشد.

صیغه لا تضار: باب مفاعله نشانگر تأکید و مبالغه و نهی شدید است.

ابعاد ضرر نیز شامل ضرر جسمی، روحی و عاطفی و نیز مادی و معنوی، دنیوی و اخروی است.

دفع ضرر در این آیه به عنوان یک قاعده کلی قابل استفاده است و هر نوع ضرری اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی از طرف والدین چه در دوران زوجیت و چه پس از جدایی، نسبت به فرزندان در هر سنی که باشند ممنوع و حرام است. بنابراین اگر فرزندان از



والدین خود تربیت دینی دریافت نکنند و والدین به آن‌ها اعمال عبادی را آموزش نداده باشند باعث کوتاهی در اعمال عبادی فرزندان می‌شود و امکان دارد فرزندان به دلیل عدم تربیت صحیح عبادی بسیاری از اعمال عبادی خود را که واجب است انجام ندهند و در ترک محرمات اهتمام نورزند که این ضرر بسیار بزرگی برای فرزندان به بار می‌آورد، پس در چنین مواردی بر والدین لازم است در تربیت فرزندان از روش الزام و اجبار استفاده کنند تا ضرری از جهت کوتاهی آنان در تربیت، متوجه فرزندان نشود.

آنچه که به ظاهر از آیات قرآنی می‌توان برداشت کرد:

۱. صیانت فرزند از ضررهای مادی و معنوی واجب است؛

۲. ارائه آموزش‌های لازم که کودک در طول زندگی به آن‌ها احتیاج دارد و برای رشد همه جانبه وی ضروری است، بر والدین واجب است.

۲.۳. روایت

روایتی که از آن وجوب تربیت دینی را می‌توان استدلال کرد موثقه حلبی است که اصل وظیفه‌مندی والدین در بعد تربیت عبادی را بیان می‌کند. امام صادق علیه السلام در باب اهتمام والدین در آموزش روزه به فرزند می‌فرمایند:

علی، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبدالله عن أبيه (عليهما السلام) قال: إنا نأمر صبياننا بالصلاة إذا كانوا بنى خمس سنين فمروا صبيانكم بالصلاة إذا كانوا بنى سبع سنين ونحن نأمر صبياننا بالصوم إذا كانوا بنى سبع سنين بما أطاقوا من صيام اليوم إن كان إلى نصف النهار أو أكثر من ذلك أو أقل فإذا غلبهم العطش والغرث أفتروا حتى يتعودوا الصوم ويطيقوه فمروا صبيانكم إذا كانوا بنى تسع سنين بالصوم ما استطاعوا من صيام اليوم فإذا غلبهم العطش أفتروا.

ما اهل بیت در هفت سالگی کودکانمان را امر می‌کنیم به اندازه توانایی‌شان نصف روز یا بیشتر یا کمتر روزه بگیرند و دستور می‌دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان قالب شد، افطار کنند. این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند پس شما کودکان خود را در نه سالگی (در مورد پسران) به اندازه توانایی‌شان به روزه گرفتن امر کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند. (کلینی، ۱۳۶۷: ۴/ ۱۲۴)

بررسی سندی:

روایت در کتب اربعه شیعه آمده که از نظر سند و دلالت معتبر است

بررسی دلایلی:

ظهور صیغه امر در این روایت دلالت بر وجوب می‌کند، زیرا «امر» ظهور در وجوب دارد.

از آنجایی که امام می‌فرمایند بچه‌های تان را به روزه امر کنید، این امر کردن بر پدر و مادر واجب است، زیرا ثابت شده که امر به امر به شیء، امر به آن شیء است. آخوند خراسانی در کتاب کفایة الاصول می‌فرماید: «اصل در امر به امر، دلالت بر وجوب می‌کند، مگر اینکه قرائن خاصی باشد، لذا بر والدین واجب است که این کار را انجام دهد».

اشکال؛ از قرینه «حتی یتعودوا اصوم» یعنی آنان را به روزه تمرین بدهند تا بدان عادت کنند چنین برداشت می‌شود که این امر یکی از تکالیف مستحب بر پدر و مادر است، اما ظاهراً این قول مردود است، زیرا ظاهر امر این است که پدر و مادر باید این کار را بکنند که بچه‌های‌شان را به نماز و روزه وادارند. به نظر نمی‌آید حمل این تکلیف بر استحباب وجهی داشته باشد، لذا وجوب آن بعید نیست، چنان که در بسیاری از فتاوا به وجوب امر کودکان به نماز و روزه اشاره شده است که از جمله فتوای مرحوم شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» است که می‌فرماید: «بر پدر و مادر واجب است وقتی فرزندشان به سن هفت یا هشت سالگی رسید او را تأدیب کند و نماز و روزه را به او تعلیم دهند و وقتی به سن ده سالگی رسید (به خاطر ترک) تنبیه کنند. (طوسی، بی‌تا: ۱/ ۳۰۵)



۴. ادله ضرورت تربیت اعتقادی

۴.۱. آیه وقایه

در بحث تربیت عبادی در مورد آیه وقایه به طور مفصل بیان شد که صیغه امر موجود در آیه وقایه دلالت بر وجوب صیانت خانواده (که فرزندان قدر متیقن در آن هستند) از عذاب الهی دارد و به طور کامل بحث شد که حفظ خود و خانواده از عذاب الهی امری واجب است. بر اساس آیه شریف همه مکلفان و از جمله پدران و مادران نسبت به خانواده خویش که فرزندان از جمله آن‌ها هستند و وظیفه حفاظتی و صیانتی دارند از آنجا که این وظیفه به نجات از آتش دوزخ مرتبط است به آموزش‌های دینی و پرورش ایمان و بندگی مربوط می‌شود و براین اساس والدین وظیفه تربیتی اعتقادی فرزندان را به عهده دارند.

۴.۲. روایت موثقه حلبی

علی، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عن أبيه (عليهما السلام) قال: إنا نأمر صبياننا بالصلاة إذا كانوا بنى خمس سنين فمروا صبيانكم بالصلاة إذا كانوا بنى سبع سنين ونحن...

۴.۲.۱. بررسی دلالتی:

با توجه به ظهور صیغه امر در واژه «مروا»، امر کردن فرزندان به نماز در ۷ سالگی به نماز و در ۹ سالگی به روزه، که کودک هنوز مکلف نشده است، این اعمال عبادی برای کودک نابالغ استحباب دارد، اما اینکه والدین کودک را با فرض آماده‌سازی و عادت‌دهی به به دو امر، امر کنند واجب است.

عبارت حتی «یتعودوا» قرینه‌ای برای الغای خصوصیت از واژه «مروا» است. از آنجایی که در این روایت فلسفه این اقدامات تربیتی به صراحت در قالب عبارت «حتی یتعودوا» بیان



شده است، نشان‌دهنده این است که این امری که در روایت آمده به خاطر آماده سازی و عادت‌دهی کودک قبل از تکلیف است.

بنابراین این امر نمودن موضوع اصلی نیست، بلکه شیوه‌های تربیتی دیگر را هم شامل می‌شود. لذا این دلیل و دلیل‌های مشابه دیگر، وظیفه الزامی تربیت اعتقادی را در دوران پیش از بلوغ حتی از هفت سالگی، از باب اولویت یا مقدمه، شامل می‌شود.

۴.۳. سیره انبیا

یک نمونه از سیره تربیت اعتقادی انبیا آیه ۱۳ سوره لقمان است که حضرت لقمان در صدر توصیه‌های خود می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». (انبیا: ۱۳)

و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش درحالی که وی او را اندرز می‌داد، گفت: «ای پسرک من، به خدا شرک می‌آور که به راستی شرک ستمی بزرگ است. و توصیه می‌کند که شرک نورز یعنی او را متوجه بطلان و زیان شرک می‌کند و «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»، در واقع دلیلی است که برای او می‌آورد و این نشان می‌دهد که نسبت به تربیت اعتقادی او اهتمام داشته است.

این آیه مصداقی از یک دلیل کلی است و دلیل کلی این است که ما وقتی به سیره انبیا و ائمه علیهم‌السلام مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که این‌ها در مقام تربیت اعتقادی برمی‌آمدند و در تربیت اعتقادی فرزندان‌شان کوشا بودند و این امر را مغفول نمی‌گذاشتند و هم در اقدامات عملی و توصیه‌های قولی خود به این امر اعتقادی که از مهم‌ترین آن توحید است، توجه داشتند و به آن اقدام می‌کردند.

۴.۳.۱. نکات مستنبط از آیه در تربیت دینی، اعتقادی

۱. در ارشاد و موعظه، مسایل اصلی را در اولویت قرار دهیم (یعظه... لا تشرك)؛



۲. مهم‌ترین و محوری‌ترین بُعد حکمت، توحید است (آئینا لقمان الحکمه... قال... لاتشرک)؛

۳. شرک، بزرگ‌ترین خطر و اصلی‌ترین مسئله است، نزد خداوند، همه دنیا متاع قلیل است (متاع الدنيا قلیل)، ولی شرک ظلم عظیم است. (لظلم عظیم) یعنی اگر همه دنیا را به کسی بدهند که مشرک شود، نباید بپذیرد.

۴. مواظب خود را با دلیل و منطق بیان کنیم. (لاتشرک... انّ الشرک لظلم عظیم). (قرائتی، ۱۳۹۷: ۱۹۰۲)

۴.۴ روایات

۴.۴.۱. روایت حق فرزند بر والدین

در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام آمده است:

وأما حق ولدك : «فأن تعلم أنه منك ، ومضاف إليك في عاجل الدنيا بخيره وشره .
وأنتك مسؤول عما وليته من حسن الأدب ، والدلالة على ربه والمعونة له على طاعته
فيك وفي نفسه ، فمثاب على ذلك ومعاقب. فاعمل في أمره عمل المتزين بحسن
أثره عليه في عاجل الدنيا ، المعذر إلى ربه فيما بينك وبينه بحسن القيام عليه ،
والأخذ له منه. ولا قوة إلا بالله.» (آل ياسين، ج ۱، ۲۰)

حق فرزندت بر تو آن است که بدانی او از تو است و در دنیا و آخرت با همه خوبی و بدی
هایش به تو مستند است؛ و دیگر آنکه تو درباره آنچه که به سرپرستی اش گمارده شده‌ای
مسئولی. مسئولیت‌هایی چون نیکو ادب کردن، راهنمایی به سوی خدا، یاری‌رسانی به طاعت
خدا؛ پس درباره فرزندت مانند کسی عمل کن که برای احسانش به فرزند پاداش می‌گیرد و
برای بدی به وی عقوبت می‌شود.

بررسی سندی:

با توجه به بررسی‌های انجام شده، رساله الحقوق امام زین العابدین(ع) از سند معتبر، برخوردار می‌باشد. (اعرافی: ۱۳۹۲)

بررسی دلالی:

واژه حق بر وجوب و تکلیف دلالت دارد، اما بعضی از تکالیفی که به عنوان حق در این روایت مطرح شده از مستحبات است، بنابراین تنها با قرینه عبارت «انک مسئول» وجوب برداشت می‌شود. بنابراین از وظایف الزامی والدین بر کودک، ادب نیکوی او، راهنمایی او به سوی خدا و ترغیب او در عبادت خداوند است. در این روایت، مفهوم عبارت «الدلاله علی ربه» است که نوعی آگاهی بخشی است، اما به تناسب حکم و موضوع، تنها آموزش دین، مدلول این روایت نیست و تربیت اعتقادی و ایجاد التزام و پایبندی را هم در بر می‌گیرد.

۴.۴.۲. روایت دوستی پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ». (سیوطی، ۱/ ۱۴)

فرزندانتان را بر سه موضوع تربیت کنید؛ دوستی پیامبر اکرم ﷺ، دوستی اهل بیت ایشان و تلاوت قرآن.

بررسی دلالی:

در این روایت صراحتاً به حب پیامبر و ائمه اطهار عليهم السلام تأکید شده است، و از طرفی از اصول اعتقادی مسلمانان (شیعیان)، دو اصل نبوت و امامت است؛ در حقیقت کسی که به این دو اصل معتقد است قاعدتاً از اصل ولایت‌پذیری از ایشان برخوردار است، و از آنجایی





که حب ولی یکی از شئون ولایت پذیری است، به نظرمی رسد این روایت به مسئله نبوت و امامت اشاره کرده است و بر تربیت اعتقادی فرزند تأکید دارد، زیرا کسی که حب اهل بیت پیامبر ﷺ در قلبش باشد نسبت به نبی و امام خود ولایت پذیری دارد.

۳.۴.۴. روایت آموزش لا اله الا الله

عن عبدالله بن فضالة، عن أبي جعفر عليهما السلام، قال: سمعته يقول: إذا بلغ الغلام ثلاث سنين فقل له سبع مرات: قل: «لا إله إلا الله». ثم يترك حتى يبلغ ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرين يوماً. ثم يقال له: قل: «محمد رسول الله» سبع مرات و يترك حتى يتم له أربع سنين، ثم يقال له سبع مرات قل: صلی الله علی محمد و آل محمد و یترک حتی يتم له خمس سنين. ثم يقال له: أيهما يمينك و أيهما شمالك، فإذا عرف ذلك حول وجهه إلى القبلة و يقال له: اسجد. ثم يترك حتى يتم له ست سنين، فإذا تم له ست سنين قيل له: صل؛ و علم الركوع و السجود حتى يتم له سبع سنين. فإذا تم له سبع سنين قيل له: اغسل وجهك و كفیک فإذا غسلهما قيل له: صل؛ ثم يترك حتى يتم له تسع سنين،، فإذا تمت له علم الوضوء و ضرب عليه و أمر بالصلاة و ضرب عليها. فإذا تعلم الوضوء غفر الله لوالديه إن شاء الله. (طبرسی، بی تا: ۲۲۲)

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید به او بگویند هفت مرتبه بگوید «لا اله الا الله» (تا بیاموزد)، در چهار سالگی به او بگویند که هفت مرتبه بگوید «محمد رسول الله» (تا یاد بگیرد)، در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد. در پایان شش سالگی رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل گفته شود: «دست و رویت را بشوی: و پس از آن به او گفته شود نماز بخوان.

بررسی دلالی:

در این روایت صراحتاً به مسئله تربیت اعتقادی و عبادی فرزند اشاره دارد. از آنجایی که در این روایت پرداختن به اصل توحید را نخستین تربیت دینی فرزند معرفی می‌کند، آن هم در سن بسیار پایین کودک که در این روایت سه سال است؛ و بعد از اصل توحید، یکی دیگر از اصول اعتقادی را مورد توجه قرار داده که اصل نبوت است، ظاهراً نشانگر این است که ائمه اطهار علیهم السلام به مسئله تربیت اعتقادی فرزند در همان نخستین دوره‌های شروع تربیت اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و از ظاهر روایت چنین به نظر می‌رسد که امامان معصوم علیهم‌السلام اصل تربیت اعتقادی را یکی از پایه‌های تربیت دینی می‌دانند.

۴.۴.۴. روایت آموزش حدیث

امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَانِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِيَّةُ».

احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید، پیش از آنکه مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند. (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۷)

ظاهر این حدیث هم نشان دهنده این است که ائمه هدی علیهم‌السلام به آموزش دینی فرزندان در دوران نوجوانی تأکید زیادی داشته‌اند، چرا که اگر فرزند اطلاعات کافی نسبت به دین خود نداشته باشد و ریشه‌های اعتقادی او ضعیف باشد، به راحتی تحت تأثیر هجمه‌های اطلاعاتی غلط قرار می‌گیرند و ممکن است که دیگر به سعادت نرسند، به دلیل اینکه منبع اطلاعاتی آن‌ها از سمت گروه گمراهان پر می‌شود.

۵. وظیفه والدین در ادای مسئولیت تربیتی

موضوع دیگری که در این بخش باید به آن پرداخت این است که در چه صورتی والدین مسئولیت خود در برابر فرزندان‌شان را به انجام رسانده‌اند؟ به عبارت دیگر، والدین چه کار





باید بکنند تا این مسئولیت را ادا کرده باشند و در برابر خداوند مورد مؤاخذه قرار نگیرند. ممکن است چنین تصور شود که ادای این مسئولیت اقتضا می‌کند والدین تمام توان خود را در این راه به کار گیرند تا فرزندان آنان از نظر اعتقادی و عملی افرادی متدین بار بیایند، در غیر این صورت مسئولیت آنان انجام نیافته است. شاید علت اینکه یکی از یاران پیامبر ﷺ بعد از نزول آیه ۶ سوره تحریم (قوا انفسکم و اهلیکم...) نشست و شروع به گریه کرد همین برداشت از آیه و مسئولیت والدین بوده است.

اما خوشبختانه پاسخ پیامبر به این صحابی و نیز روایات دیگری که ذیل این آیه از آن معصوم وارد شده است با این برداشت سازگار نیست. مطابق این روایات ادای این مسئولیت به این معنا نیست که والدین با فرزندان خود چنان رفتار کنند که آنان لزوماً افرادی متدین و معتقد تربیت شوند، بلکه والدین باید فرزندان و خانواده خود را به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی کنند. به عبارت دیگر مسئولیت والدین این است که آداب و عبادات و اوامر و نواهی دینی را به آن‌ها بیاموزند و آنان را به انجام عوامل مذکور امر و از ارتکاب محرمات الهی نهی کنند. خود پیامبر ﷺ در مواجهه با مردی که به گریه وزاری مشغول بود فرمودند: «همین که آنان را امر کنی به آنچه خود را به آن امر می‌کنی و نهی کنی از آنچه خود را از آن نهی می‌کنی برای انجام مسئولیت کفایت می‌کند». (کلینی، ۱۳۶۷: ۵، ۶۲)

بنابراین در ادای مسئولیت مذکور تحقق نتیجه یعنی متدین و معتقد تربیت شدن فرزندان لازم نیست، بلکه آنچه لازم است ارائه آموزش دینی و امر و نهی آنان است، همان‌گونه که همه افراد قابلیت‌ها و استعدادها یکسان ندارند و همه افراد نیز قابلیت تربیت پذیری یکسان ندارند و فعالیت‌های تربیتی حتی اگر به بهترین وجه هم صورت گیرد در آنان به یکسان موثر نمی‌افتد؛ البته والدین برای تربیت دینی فرزندان خود تحت شرایط خاصی اجازه تنبیه آنان را نیز دارند، اما این ثابت نمی‌کند که حصول نتیجه مثبت در ادای مسئولیت تربیتی والدین لازم و ضروری است. (داوودی و اعرافی، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۷۵)

۶. محدوده زمانی مسئولیت والدین در تربیت دینی

با توجه به تمام آیات و روایاتی که در باب تربیت فرزند آمده است، همه در مورد فرزندانی است که زندگی مستقلی را شروع نکرده‌اند. بنابراین، مفاد این سیره‌ها تنها به مسئولیت والدین نسبت به فرزندانی که زندگی مستقلی را شروع نکرده‌اند، دلالت دارد و نسبت به مسئولیت آنان در دوره استقلال فرزندان ساکت است.

طبق روایت امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «دع، ابنک یلعب سبع سنین، ویؤدب سبع سنین؛ فان افلح والا فلا خیر فیه؛ بگذار پسر ۷ سال بازی کند؛ هفت سال او را تأدیب کن و هفت سال او را همراه خود داشته باش؛ اگر رستگار شد چه بهتر، در غیر این صورت خیری در او نیست». (عاملی، ۱۴۰۴: ۱۵/۵)

بنا بر این روایت، ظاهراً این حساسیت در مسئولیت والدین مربوط به ۲۱ سال اول زندگی که فرزند هنوز مستقل نشده است مربوط می‌شود، چرا که با توجه به معنای تربیت، این پرورش دادن و آموزش‌ها مربوط به دوره‌ای می‌شود که کودک مانند نهالی است که نیاز به پروراندن دارد و از هرچه تغذیه کند پیکره وجودی‌اش از همان شکل می‌گیرد، اما این بديهي است که مسئولیت والدین در امر به معروف و نهی از منکر بر فرزندان ادامه دارد، زیرا که این امر واجبی است بر تمام مسلمین، گذشته از فضای سن و سال و رابطه خویشاوندی، اما با نظر به اینکه والدین در تمام این سال‌ها دلسوزانه و آگاهانه در زمینه تربیت دینی فرزندشان همت گمارده‌اند، بعد از این هم در امر به معروف کردن و نهی از منکر کردن فرزندان خود دقت بیشتری دارند، و پیوسته آن‌ها را از اشتباهات بر حذر می‌دارند و به سمت تصمیمات مهم که باعث سعادت فرزندانشان می‌شود سوق می‌دهند.

نتیجه:

۱. تربیت دینی تمام ساحت‌های دین (اعتقادات، احکام، اخلاقیات) را در بر می‌گیرد.





۲. با نظر به ادله‌ای که ظهور صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند تربیت دینی (اعتقادی-عبادی) بر والدین واجب است.

۳. سیره تربیتی انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام دلالت بر ضرورت و وجوب تربیت دینی می‌کند.

۴. اگرچنانچه علی رغم اهتمام والدین بر تربیت دینی فرزند او راه شقاوت را پیش گرفت والدین مؤاخذه نمی‌شوند.

۵. به نظر می‌رسد محدوده سنی که والدین، مسئولیت در تربیت دینی فرزند دارند؛ سنی است که فرزندان، غیر مستقل هستند.

پیشنهاد:

در مدیریت موفق یکی از اصول و وظایف مهم مدیر نظارت و کنترل است، لذا مربی مدیر و مسئول، به موقع احتیاجات را برطرف می‌نماید و عوامل مزاحم را حذف و غفلت‌ها را گوشزد می‌کند. نظارت و مراقبت در طول دوران تربیت لازم است؛ یعنی از وقتی که نطفه فرزند در رحم مادر نهاده می‌شود و حتی قبل از آن تا وقتی که کودک به رشد و بلوغ کامل برسد به ویژه زمانی که کودک از محیط خانواده، به اجتماع روی می‌آورد، زیرا سنین کودکی و نوجوانی، چنین تقلید و تاثیرپذیری از دیگران، و سنین جوانی سال‌های الگوگیری است. والدین و مربیان دلسوز باید در این سنین مراقب باشند که فرزندان با چه کسانی رفت‌وآمد دارند چه مسائل و جریاناتی را دنبال می‌کنند، تا اگر اشتباهی در کار آنهاست، متذکر شوند و اگر فرزندان اطلاعات لازم را ندارند، به آنها اطلاعات بدهند و اگر دچار غفلت هستند، آنها را آگاه کنند. مراقبت از در مسائل اجتماعی مهم است، اما مراقبت در مسائل فردی نباید نادیده گرفته شود. اهمیت مسائل اجتماعی شاید به این دلیل است که کمبودهای تربیتی فردی، در ارتباط با اجتماع و افراد دیگر بروز می‌کند. بنابراین مراقبت و نظارت در تربیت، از وظایف مربیان، به ویژه والدین است. در پایان باید گفت بر اساس نظر شهید



مطهری وقتی می‌خواهیم به دین عمل کنیم ابتدا باید آن را بیاموزیم بنابراین مادران همه برای عمل فردی به دین وهم برای تربیت دینی فرزندان به شناخت دین و معارف آن نیاز مبرمی دارند. اگر خانواده به‌خصوص مادر توانایی فکری و اعتقادی لازم برای آشنا نمودن فرزندان با اندیشه و اعتقاد اصیل دینی نداشته باشند چنین فرزندان در برخورد با اندیشه‌ها و افکار مهاجم بی‌دفاع می‌شوند و در نهایت فرد سقوط می‌کند.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن منظور (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۱، ۳، بیروت: دار صادر.
۲. اعرافی، علیرضا و سیدنقی موسوی (۱۳۹۲)، «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، فصلنامه فقه، ش ۲۰.
۳. الشعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الاخبار، ج ۱، نجف: مطبعه حیدریه.
۴. داوودی، محمد (۱۳۸۶)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت/ دمشق: دارالقلم.
۷. رحیمیان محمد حسن و محمد تقی رهبر (۱۳۸۵)، اخلاق و تربیت اسلامی، چ ۱۲، تهران: انتشارات سمت.
۸. سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۲)، کلام اسلامی، ج ۱، قم: کتاب طه.



۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (بی‌تا)، جامع الصغیر، ج ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیه‌السلام.
۱۱. طبرسی، رضی‌الدین ابی‌نصر حسن بن فضل (بی‌تا)، مکارم الاخلاق، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. طوسی (بی‌تا)، الخلاف، نجف: مطبعه حیدریه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، کافی، ج ۴، ج ۳، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران: صدرا.
۱۵. مظاہری، حسین (۱۳۹۵)، تربیت فرزند از نظر اسلام، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
۱۸. آل یاسین، الشیخ محمد حسن (بی‌تا)، رساله الحقوق، مکتبه الإمام حسن علیه‌السلام العامّة.
۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۹۷)، تفسیر نور، مجموعه آثار رایانه ای تفسیر نور.